

## بیمارستان روانی دوستان را پذیرش نکرد، کشتمش

آرمین بینا

مسرد معناد وقتنی متوجه شمد بیمارستان روانی دوستش را پذیرش نمی کند در مسیر بازگشت او را به قتل رساند.

زن میانسالی اردیبهشت‌ماه‌اسمال در تهران به اداره پلیس رفت و از گم شدن ناگهانی شوهرش شکایت کرد.

او گفت: «شوهرم بیمان بیماری روحی روانی داشت و دارو مصرف می‌کرد. چند باری برای مدت کوتاهی در بیمارستان روانی بستری‌اش کرده بودیم. چند روز قبل دوباره حالش بد شد و خودش تصمیم گرفت چند روزی در بیمارستان روانی بستری شود و تحت درمان قرار بگیرد. از طرفی شوهرم دوستی به نام بهرام دارد و خیلی با او صمیمی است و خیلی وقت‌ها با هم هستند. دیروز می‌خواستم شوهرم را برای بستری به بیمارستان ببرم اما بهرام خواست او شوهرم را به بیمارستان برساند که دو نفری از خانه بیرون رفتند. ساعتی بعد با شوهرم تماس گرفتم، اما او تلفن همراهش را جواب نداد و تلفن بیمان هم خاموش بود. چند ساعتی گذشت و خبری از آنها نشد. من نگران شدم و برای پیدا کردن شوهرم به چند بیمارستان روانی مراجعه کردم، اما شوهرم در هیچ کدام از بیمارستان‌ها بستری نشده بود و از بیمان هم خبری نبود. الان نگران شوهرم هستم و احتمال می‌دهم برای او اتفاق بدی افتاده باشد.»

**بازداشت**

با شکایت زن میانسال، پرونده به دستور قاضی عظیم سپهری، باز پرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قسار گرفت. مأموران در نخستین گام به سراغ بهرام رفتند، اما ردی از او پیدا نکردند. بررسی‌ها نشان داد وی مرد معنایی است که پس از حادثه به مکان نامعلومی رفته است. تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت تا اینکه مأموران موفق شدند خموش چند روز بعد بهرام را شناسایی و بازداشت کنند. متهم در بازجویی هادعی شد از سرنوشت مرد گمشده خبری ندارد و ادعا کرد بیمان آن روز به بیمارستان نرفت و داخل خیابان از او جدا شد. مأموران پلیس در ادامه دریافتند بیمان و بهرام روز حادثه به دو بیمارستان مراجعه کرده‌اند، اما به خاطر خالی نبودن تخت، مرد بیمار در هیچ کدام از بیمارستان‌ها بستری نشد.

**اعتراف**

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، دو روز قبل متهم لب به اعتراف گشود و پس از هشت ماه به قتل دوستش اعتراف کرد.

بهرام گفت: «مدتی قبل به صورت اتفاقی با بیمان آشنا شدم. او مشکل روحی و روانی داشت و من هم سعی می‌کردم روزهای بیکارم با او باشم تا حالش بهتر شود. روز حادثه او را برای بستری شدن به دو بیمارستان بردم، اما هیچ کمک تخت خالی نداشتند. در راه برگشت به خانه و نزدیک فرچک تصمیم گرفتم کمی مواد مصرف کنم تا حالم بهتر شود. وقتی شروع به مصرف کردم، بهانه‌گیری‌ها و داد و فریاد بیمان بلند شد و گفت زودتر از آنجا بروم که عصبانی شدم و با یک سنگ دوزخیه به سرش زدم. وقتی به خودم آمدم دیدم فوت کرده، جسد را همانجا رها و فرار کردم.»

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. باز پرس به مأموران دستور داد درباره احتمال کشف جسد در محل حادثه تحقیق کنند.

طلافروش و رشک‌سکته که با دعوت دوست طلافروشتش در مغازه وی مشغول به کار شده بود، با سرقت ۲۰ میلیارد طلای وی قصد زندگی در اروپا را داشت که بازداشت شد.

ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مأموران پلیس تهران با تماس مرد طلافروشی از سرقت مغازه طلافروشی در شرق تهران باخبر و راهی محل شدند.

وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند مرد طلافروش به مأموران گفت: «چند سالی است در این محل مغازه طلافروشی دارم. لحظاتی قبل وقتی در مغازم را باز کردم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. در گاو صندوق مغازه باز بود و هر چه طلا، سکه جواهر و پول داشتم به سرقت رفته بود. با دیدن این صحنه شوکه شدم به طوری که دقایقی حالم بد شد و حتی توان حرف زد و هیچ حرفی نداشتم. سارق تمام دار و ندارم را که بیش از ۲۰ میلیارد تومان ارزش داشت برده و مغازم را جارو زده است.»

**دزد آشنا**

مأموران پلیس در نخستین گام دریافتند سارق فرد آشنایی بوده که با کلید وارد مغازه شده و حتی به سیستم‌های هشدار اضطراری هم دسترسی داشته و پس از سرقت تمامی طلا و جواهرات دوربین‌های مدار بسته را هم سرقت کرده است تا هیچ ردی از خود به جای نگذارد.

از سوی دیگر گفته‌های شاکي هم حکایت از آن داشت علاوه بر خودش یکی از دوستان قدیمی‌اش به نام جهانگیر همراه او در مغازه طلافروشی کار می‌کرده و کلید مغازه را هم داشته است. مأموران پلیس در ادامه به سراغ دوربین‌های مدار بسته مغازه‌های اطراف رفتند و پس از بررسی فیلم‌های دوربین دریافتند سارق طلافروشی جهانگیر است که ساعت ۷ صبح با دو ساک ورزشی وارد مغازه می‌شود و دقایقی بعد هم با دو ساک پر از طلا: مغازه بیرون می‌رود و از محل دور می‌شود.

بدین ترتیب با شناسایی سارق تیمی از کارآگاهان زنده به دستور سرهنگ رضاحتمی فرمانده پایگاه یازدهم پلیس آگاهی تهران برای دستگیری وی وارد عمل شدند. بررسی‌ها نشان داد سارق طلافروشی پس از حادثه محل زندگی‌اش را تغییر داده و به مکان نامعلومی برگشته است. در حالی که تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه داشت، مأموران متوجه شدند وی پس از سرقت از تهران خارج نشده و در خانه یکی از دوستانش در

## حوادث

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

# سرقت ۲۰ میلیارد طلای رفیق برای زندگی در اروپا



خیابان‌های شرقی مخفی شده است.

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت به خبرنگار ما گفت: با به دست آمدن این اطلاعات مأموران به مخفیگاه متهم رفتند و وی را بازداشت کردند که با اعتراف متهم مشخص شد بیش از هشت نفر دیگر هم در این سرقت با او همکاری داشته‌اند و مأموران هم متهمان را یکی یکی بازداشت کردند. همچنین در بازرسی از مخفیگاه متهم طلاهای مسروقه که مقداری از آنها را به شمش تبدیل کرده بود، همراه مقداری دلار و پول کشف کردند.

**نمک خوردم و نمکدان شکستم**

سارق مرد ۵۰ ساله‌ای است که سابقه سرقت در پرونده‌اش ندارد. او در گفت‌وگو با خبرنگار ما اظهار می‌شده می‌کند وی گوید این حق دوست نبود، اما من می‌خواستم پولدار شوم و روزهای قبلی ام برگرم و به همین دلیل می‌گویم نمک خوردم و نمکدان شکستم.

**جهانگیر سابقه سرقت داری؟**

نه من سابقه سرقت ندارم. اگر سارق بودم که صاحب طلافروشی مرا به عنوان همکار در مغازه‌اش راه نمی‌داد. البته زندان رفته‌ام آن هم به خاطر اینکه ور شکست شدم و طلبکارن مرا به زندان انداختند.

**چکاره بودی؟**

مغازه طلافروشی داشتم و وضع مالی‌ام خوب بود،

**همسرت که جدا شده بود؟**

بله شش سال قبل جدا شدیم. بعد ما من برای دیدن دخترم به خانه او رفتم و آمد داشتم و یک شب به او گفتم که دوستم به من اعتماد دارد و کلید مغازه و گاو صندوق را به من داده است و می‌توانم طلاهای او را سرقت کنم. او هم مرا تشویق کرد تا طلاها را سرقت کنم و بعد همراه او و فرزندم به خارج برویم. به هر حال نقشه را همراه همسرم و تعدادی از بستگانم اجرا کردم.

**از چه زمانی نقشه سرقت را طراحی کرده بودی؟**

**درباره روز سرقت توضیح بده؟**

آن روز دو ساک ورزشی برداشتم و راهی مغازه شدم می‌داختم چه ساعتی صاحب مغازه می‌رسد و قبل از ورود او مغازه را خالی کردم. دوربین‌های مدار بسته را هم با خودم بردم و فکر می‌کردم به این سادگی شناسایی نشوم. سپس به شهر محمودآباد مازندران رفتم و در آنجا ویلایی اجاره کردم. تصمیم گرفتم با طلاهای سرقتی ویسلا و زمین بخرم، اما فروشنده قبول نکرد و احتمال دادم به من مشکوک شده و به تهران برگشتم.

**گفتی تصمیم داشتی به خارج از کشور فرار کنی؟**

بله برنامه‌ها بود که همراه همسر سابقم و دخترم به خارج برویم، اما مفیدم ممنوع‌الخروج شدم و دنبال فردی بودم که بتواند ما را غیرقانونی از کشور خارج کند که دستگیر شیدم.

**با طلاهای سرقتی چه کار کردی؟**

حدود نیم کیلو طلا را دلار خریدم تا برای پول بزن داشته باشم و مابقی طلاها را هم به شمش طلا تبدیل کردم. همراه همسر سابقم شمش را داخل قریز دیوار و میلمان جاسازی کردم تا وقتی خواستیم از ایران خارج شویم با خودمان ببریم.

اما چند سال قبل ور شکست شدم و چک‌های برگشت خورد و به زندان افتادم. در واقع از عرش به فرش رسیدم و زندگی‌ام نابود شد به طوری که همسرم با کتاها فرزندم مرا تنها گذاشت و از من جدا شد.

**خطور باشاکی آشنا شدی؟**

شاکي هم صنف خودم بود و او را از قبیل می‌شناختم. وقتی از زندان آزاد شدم به سراغ دوستان قدیمی‌ام رفتم و آنها هم در جریان بودند که چقدر سختی کشیده‌ام و چه بلایی سر زندگی‌ام آمده است. با آنها معامله می‌کردم تا اینکه شاکي از من خواست در مغازه‌اش به صورت سر زندگی‌ام آمده است. با آنها معامله می‌کردم تا الان که فکر می‌کنم من نمک خوردم و نمکدان شکستم و خیلی ششیمان هستم، اما مجبور شدم طلاهای او را سرقت کنم.

**چه کسی مجبور کرد؟**

کسی مرا مجبور نکرد، اما می‌خواستم مثل قبل پولدار شوم و برای ادامه زندگی به خارج از کشور فرار کرده و نمی‌دانم چه کسی موتورسیکلت را سرقت کرده است. به بروم، از بی‌پولی خسته شده بودم و طمع کردم و می‌خواستم پول دیگران خوشگذرانی کنم. البته همسر سابقم هم تشویق کرد.

## قتل بر سر سرقت موتورسیکلت

درگیری با مرد دیگری داخل بوستانی زخمی و به بیمارستان منتقل شده است.

یکی از شاهدان گفت: «داخل پارک بودم و دیدم مقتول همراه چند نفر از دوستانش روی نیمکتی نشسته‌اند و سیگار می‌کشند. لحظاتی بعد آنها با چند نفر دیگر مشاجره کردند، اما وقتی مأموران را دیدند همگی پایه فرار گذاشتند. چند دقیقه‌ای گذشت و دوباره سروکله آنها داخل پارک پیدا شد. اما این بار مقتول با یکی از دوستانش درگیر شد و دوستش هم با چوبی شبیه چوب بیسبال چند ضربه به سر مقتول زد و

آمده هر کدام از ما به طرفی فرار کردیم تا اینکه دقایقی بعد دوباره به محل بازگشتیم. وقتی به محل قبلی رسیدیم، موتورسیکلت بهمین سرقت شده بود. بهمین به ایرج مشکوک شد و احتمال داد موتورش را او سرقت کرده است. آنها با هم مشاجره لفظی کردند و ایرج هم ادعا می‌کرد موتور بهمین را سرقت نکرده و می‌گفت او هم با دیدن مأموران فرار کرده و نمی‌داند چه کسی موتورسیکلت را سرقت کرده است. به هر حال درگیری آنها بالا گرفت و بهمین با چوبی شبیه به چوب بیسبال چند ضربه به سر و بدن ایرج زد و فرار کرد.»

هم‌زمان با انتقال جسد مرد فوت شده به پزشکی قانونی، مأموران تلاشند ضارب را بازداشت کنند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

مردی که احتمال می‌داد یکی از دوستانش موتورسیکلت او را سرقت کرده است در یک درگیری، او را با چوب بیسبال به قتل رساند و فرار کرد.

به گزارش «جوان»، ساعت ۱۷ عصر روز شنبه ۱۱ آذرماه، مأموران کلانتری ۱۱۲ اوسعدیه به قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خاندن مرد میانسالی که در درگیری زخمی شده پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده است.

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراد تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی بیمارستان و در آنجا با جسد مرد ۶۰ ساله‌ای به نام ایرج روبه‌رو شد که پزشکان اعلام کردند بر اثر اصابت جسم سختی به سرش به قتل رسیده است. بررسی‌ها نشان داد مقتول ساعتی قبل در

۱۴ یادداشت

### مفسده‌هایی که به جرائم مشروعیت می‌بخشد



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

اعلام رقم فساد ۳ میلیارد و ۲۷۰ میلیون دلاری یا به عبارتی ۱۴۰ هزار میلیارد تومانی جای دیش ثبت رکوردی تازه در پرونده‌های فساد اقتصادی است. وقتی رکوردی تازه در بروز فسادهای اقتصادی ثبت می‌شود، یعنی که ساختارهای قانونی در برخورد با فساد موفق عمل نمی‌کنند و از مجرای همین مماشات قانونی راه برای بروز فسادهای کلان‌تر هموار می‌شود. این اتفاق‌ها در حالی روی می‌دهد که کشور در وضعیت ریاضت اقتصادی قرار دارد و بسیاری از مردم به دلیل گرفتاری در تنگناهای معیشتی از تأمین بدیهی‌ترین ملزومات زندگی‌شان بازمانده‌اند و بسیاری از مدیران و متدینان، مردم را به پیشه کردن صبر برای عبور از وضعیت موجود دعوت می‌کنند، آن وقت در همین شرایط دشوار، اعضای یک خانواده موفق می‌شوند ۱۴۰ هزار میلیارد تومان پول بیت‌المال را به جیب بزنند. تردیدی وجود ندارد شبکه‌ای که موفق به چنین فسادی در ساختار قانونی کشور می‌شود، دارای پیوندهای پایداری در همین ساختار است که راه‌های برون رفتن از دستگه‌های نظارتی را به راحتی می‌کند. با صرف کمترین هزینه‌از مجازات‌های قانونی فاصله بگیرد و بار دیگر به حیات مجرمانه خود ادامه دهد. انتشار این خبر در فضای عمومی جامعه بیش از اینکه موفقیتی برای دستگه‌های نظارتی تلقی شود، تأثر بدنه اجتماعی از امکان بروز چنین مفسده‌ای را به همراه دارد و منجر به این می‌شود که بسیاری از افراد آسیب‌پذیر با تأسی به این عمل، دست به اعمال مجرمانه بزنند و این پرسش را تقویت کنند که ساختار نظارتی هنگامی که این مقسده در جریان بود، به کدام مشغله مشغول بود؟ وقتی خبر پرونده ۳ هزار میلیارد تومانی در فضای عمومی جامعه مطرح شد، در جلسه محاکمه مردی حضور داشتم که برای سرقت وارد خانه‌ای شده بود و مرد صاحبخانه را که از راه رسیده بود، به قتل رسانده بود. وقتی قاضی وقت شعبه ۷۱ دادگاه کیفری یک استان تهران در حاشیه جلسه رسیدگی از متهم سؤال کرد که چرا مرتکب قتل شدی، او جواب داد: «وقتی دیدم یک نفر توانسته ۳ هزار میلیارد تومان به جیب بزند، من هم تصمیم گرفتم از راه سرقت پولدار شوم برای همین برای سرقت وارد خانه‌ای شدم که آن را از نظر گرفته بودم، اما صاحبخانه از راه رسید و پایم به پرونده قتل باز شد و گرنه قدمه فقط سرقت بود، نه ارتکاب قتل.» پاسخ متهم به پرسش قاضی نشان می‌دهد که بسیاری از افراد آسیب‌پذیر تصورشان این است در رقابت برای رسیدن به سرمایه از قافله عقب مانده‌اند، برای همین با مشروعیت‌بخشیدن به عمل مجرمانه دست به ارتکاب جرم می‌زنند. همچنین این باور در بدنه اجتماعی تقویت شده است که برخورد‌های قاطع قانونی فقط دامن مجرمان خرد را می‌گیرد و سلاطین مفسد با تأسی به پشتوانه‌هایی که در ساختار قانونی از آنها حمایت می‌کنند، این امکان را پیدا می‌کنند تا در جریان دادرسی از کمترین مجازات برخوردار شوند یا اگر مجازاتی متوجه آنها شود از نفوذ خود برای تحمل آن بیرون از میله‌های زندان برخوردار شوند، همان گونه که مشخص شده شبنم نعمت‌زاده، دختر وزیر اسبق صنعت که به اتهام اخلاص در نظام اقتصاد از ۲۰ سال زندان محکوم شده بود، متواری شده است. از همین‌رو حیات مجرمان در سایه مصونیت‌هایی که از آن برخوردار هستند هم راه را برای بروز مفسده‌های بزرگ‌تر هموار می‌کند و هم اعتبار قانون را در چشم مردم خفیر می‌شمارد.

## طرح زوج‌وفرد تا آخر هفته اجرامی‌شود

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ با اشاره به تشکیل کمیته اضطرار آلودگی هوای تهران گفت که تا روز پنج‌شنبه تردد خودروها بر اساس زوج و فرد اجرا خواهد شد.

سرهنگ سیدابوالفضل موسوی پور گفت: تردد خودروها تا پایان هفته در محدوده طرح ابراساس پلاک زوج و فرد خواهد بود و با تقویت و استقرار بیشتر تیم‌های پلیس در محدوده‌های اعلامی، این طرح به صورت جدی اجرا می‌شود و با خودروهای متخلف برخورد خواهد شد.

وی ادامه داد: ۶ هزار خودرو و به برکه معاینه فنی داشتند، ولی دودزا بودند. معاینه فنی آنها باطل و به مراکز معاینه فنی اعزام شدند.

سرهنگ موسوی پور خاطر نشان کرد: اجرای این طرح از در منازل نیست و فقط در محدوده طرح زوج و فرد سابق یا همان طرح آلودگی هوای کنونی اجرا می‌شود و تا پنج‌شنبه نیز ادامه خواهد داشت.

## امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان

۸۸۴۹۸۴۷۶



اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برای ابر این شماره ذیل هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شبانکاره تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی ذیل محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱-رای شماره ۰۰۹۴۴۰۰۸۰۰۰۲۶۰۱۴۰۲۶۰ تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی محسن ابراهیمی فرزند عباسقلی کد ملی ۰۰۰۱۱۹۵۶۱۰۰۰ نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۲۰۴۷/۳۰ مربع پلاک ۲۰۲ فرعی از ۷۳۵۹ قریه اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۷۳۵۹ اصلیلواقع در بخش سه شبانکاره قریه عطیبه خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸
رئیس ثبت اسناد و املاک واحد شبانکاره

م آلف: ۳۳۹

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عسقلویه

کارگر/ نماینده هادی زاهدی

شرکت تولیدی خدماتی بهار آوران نسترن